



سیمای سوره ممتحنه

این سوره در مدینه نازل شده و دارای سیزده آیه است. به خاطر آیه دهم که درباره امتحان زنان مهاجر است، آن را «ممتحنه» نام گذارده‌اند.

محتوای این سوره درباره‌ی محبت به خداوند متعال و نهی از دوستی با دشمنان اوست و به مسلمانان سفارش می‌کند که حضرت ابراهیم علیه السلام را به عنوان الگوی خود قرار دهند و از او سرمشق بگیرند.

از میان یکصد و چهارده سوره‌ی قرآن کریم، در آغاز نُه سوره به مسئله دشمن‌شناسی توجه شده است؛ سوره‌های برائت، احزاب، محمد، ممتحنه، منافقون، معارج، بینه، کافرون و مسد.

در قرآن، آیات دشمن‌شناسی بیش از آیات الاحکام است. یکصد و نود و یک مرتبه واژه‌ی «ضَلَّ»، پانصد و بیست و یک مرتبه واژه‌ی «کفر»، سی و هفت مرتبه واژه‌ی «نفاق» و چهل و پنج مرتبه واژه‌ی «صدّ» آمده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. شما با آنان طرح دوستی می‌افکنید، در حالی که آنان نسبت به حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند. (علاوه بر آن که) آنان شما و پیامبر را به خاطر ایمان به خدا که پروردگار شما است، (از مگه) اخراج و آواره نموده‌اند. اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضای من (از وطن) بیرون آمده‌اید (با آنان دوستی نکنید). شما مخفیانه دوستی خود را به آنان می‌رسانید در حالی که من به آنچه مخفیانه و آنچه آشکارا انجام دهید آگاه‌ترم و هر کس از شما چنین کند، قطعاً از راه راست گم گشته است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «عدو» هم به یک نفر و هم به گروهی از افراد اطلاق می‌شود، ولی در اینجا مراد، گروه است؛ زیرا در مقابل آن، کلمه‌ی «اولیاء» که جمع است، به کار رفته است.^(۱)

۱. تفسیر المیزان.

□ مراد از اخراج پیامبر ﷺ و مسلمانان، بدرفتاری با آنان بود تا جایی که پیامبر و مسلمانان برای رهایی از بدرفتاری کفار، خودشان از مکه خارج شدند.^(۱)

□ در تفاسیر می‌خوانیم: یکی از یاران پیامبر ﷺ نامه‌ای را به زنی داد تا برای مشرکان مکه ببرد و آنان را از تصمیم پیامبر ﷺ مبنی بر فتح مکه آگاه کند.

جبرئیل، موضوع را به رسول اکرم خبر داد و پیامبر ﷺ حضرت علی رضی الله عنه و جمع دیگری را برای پس گرفتن نامه از آن زن، به سوی مکه فرستاد و فرمود: «در فلان منطقه آن زن را خواهید یافت». گروه اعزامی حرکت کردند و در همان نقطه‌ای که پیامبر فرموده بود، آن زن را یافتند و سراغ نامه را از او گرفتند. زن از وجود چنین نامه‌ای اظهار بی‌اطلاعی کرد. بعضی از اصحاب، سخنان زن را باور کردند و خواستند به مدینه برگردند، اما حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «نه جبرئیل به پیامبر دروغ گفته و نه آن حضرت به ما، بنابراین قطعاً نامه‌ی مورد نظر در نزد این زن است». سپس شمشیر کشید که نامه را بگیرد. زن که مسئله را جدی دید، نامه را از میان موهای سرش بیرون آورد و آن را تحویل داد.

نامه را نزد پیامبر ﷺ آوردند. حضرت، نویسنده‌ی نامه - حاطب بن ابی بلتعنه - را احضار و او را توبیخ کرد. حاطب گفت: من خائن نیستم ولی از آنجا که بستگانم در مکه و در میان مشرکان به سر می‌برند، خواستم دل مشرکان را به دست بیاورم تا بستگانم در آسایش به سر برند. پیامبر ﷺ او را بخشیدند و این آیات نازل شد.

جالب این که این زن از مکه به مدینه آمد و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقاضای کمک کرد. حضرت از او پرسید: آیا به اسلام ایمان آورده‌ای؟ گفت: نه. فرمود: آیا از مکه هجرت کرده‌ای تا به مهاجران ملحق شوی؟ گفت: نه. پرسید: پس چرا به مدینه آمده‌ای؟ گفت: برای دریافت کمک از شما. حضرت فرمود: پس جوانانی که در مکه دور تو بودند، چه شدند؟ (اشاره به این که تو در مکه خواننده بودی و مشتریان جوان داشتی!) گفت: بعد از شکست مردم مکه در جنگ بدر، دیگر کسی به سراغم نیامد (کنایه از عمق تأثیر شکست در روحیه‌ی مردم).

۱. تفسیر المیزان.

حضرت دستور داد تا به او کمک کنند. (آری، دستور کمک به غریبه گرچه کافر باشد).^(۱)
 از این ماجرا معلوم می‌شود که حفظ اسرار نظامی به قدری لازم است که حضرت علی علیه السلام
 حامل نامه را به کشتن تهدید کرد و فرمود: «لَأَرَدَنَّ رَأْسَكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^(۲) سرت را
 برای رسول خدا می‌فرستم!

دشمن شناسی

قرآن در آیات متعددی از برنامه‌ها و توطئه‌های دشمن خبر می‌دهد و وظیفه‌ی مسلمانان را
 به آنان گوشزد می‌نماید:

الف) افکار و آرزوهای دشمن:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾^(۳) قطعاً سخت‌ترین
 دشمنان اهل ایمان را یهودیان و مشرکان خواهی یافت.

﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾^(۴)
 نه کفار از اهل کتاب و نه مشرکان، هیچ کدام دوست ندارند که از طرف پروردگارتان به شما
 هیچ خیری برسد.

﴿وَوَدُّوا لَوْ تَدَهَّنْ فِئْدَهُنَّ﴾^(۵) آرزو دارند که شما نرمش نشان دهید تا با شما سازش کنند.

﴿وَوَدُّوا مَا عَنِتُّمْ﴾^(۶) آرزو دارند که شما در رنج قرار گیرید.

﴿وَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ...﴾^(۷) آرزو دارند که شما از اسلحه و
 سرمایه خود غافل شوید.

ب) توطئه‌های دشمن:

﴿أَنْتُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾^(۸) مخالفان، هرگونه توطئه‌ای را بر ضد شما به کار می‌برند.

﴿يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضَلُّوا السَّبِيلَ﴾^(۹) آنان گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند

۱. تفاسیر مجمع‌البیان، روح‌البیان، صافی، مراغی، المیزان و نمونه با اندکی تفاوت در نقل.

۲. تفسیر المیزان. ۳. مائده، ۸۲. ۴. بقره، ۱۰۵.

۵. قلم، ۹. ۶. آل عمران، ۱۱۸. ۷. نساء، ۱۰۲.

۸. طارق، ۱۵. ۹. نساء، ۴۴.

شما نیز گمراه شوید.

(ج) رفتار دشمن:

﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾^(۱) کافران دشمنان آشکار شمایند.

﴿يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾^(۲) با خدا و مؤمنان خدعه می‌کنند.

﴿إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً﴾^(۳) اگر بر شما مسلط شوند، دشمن شما می‌گردند.

﴿آمَنُوا بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ الْكِتَابَ وَكَافَرُوا بِمَا جَاءَ مِنْ بَعْدِهِ﴾^(۴) به آنچه

که بر مؤمنان نازل شده صبحگاهان ایمان بیاورید و شامگاهان از ایمان برگردید (تا شاید

مؤمنان نیز در حقانیت دین مردّد شده و) برگردند.

(د) وظیفه‌ی مسلمانان در برابر دشمن:

﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ﴾^(۵) آنان دشمنند پس از آنان حذر کن.

﴿وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾^(۶) آنچه توان دارید برای مقابله با دشمن آماده کنید.

﴿لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾^(۷) غیر خودی‌ها را محرم اسرار نگیرید که

رعایت نمی‌کنند.

پیام‌ها:

۱- جامعه ایمانی حق ندارد با دشمنان خدا، رابطه دوستانه و صمیمانه داشته

باشد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾

۲- ایمان به خداوند با برقراری پیوند دوستی با دشمن خدا سازگار نیست.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي... أَوْلِيَاءَ﴾

۳- دشمن خدا در حقیقت دشمن مؤمنان نیز هست. ﴿عَدُوِّي وَعَدُوِّكُمْ﴾

۴- گرچه کفار دشمن ما هستند، ولی دلیل اصلی متارکه‌ی ما با آنان، دشمنی آنها با

خداست. کلمه‌ی ﴿عَدُوِّي﴾ قبل از ﴿عَدُوِّكُمْ﴾ آمده است.

۱. نساء، ۱۰۱. ۲. بقره، ۹. ۳. ممتحنه، ۲.

۴. آل عمران، ۷۲. ۵. منافقون، ۴. ۶. انفال، ۶۰.

۷. آل عمران، ۱۱۸.

- ۵- القای مودّت و ابراز دوستی با دشمنان، جرأت آنان را در برابر مؤمنان بیشتر می‌کند. ﴿تلقون الیهم بالمودّة و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ﴾
- ۶- اوامر و نواهی خود را به طور مستدل بیان کنید. ﴿لاتتخذوا... قد کفروا... یخرجون الرسول و ایاکم﴾
- ۷- در سیاست خارجی، برقراری رابطه و قطع روابط باید بر اساس ملاک‌های دینی باشد. ﴿لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء﴾
- ۸- دین از سیاست جدا نیست. (فرمان قطع رابطه با دشمنان یک دستور سیاسی است که در متن قرآن آمده است). ﴿لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء﴾
- ۹- کفّار تنها در عقیده مخالف شما نیستند، بلکه کمر به حذف شما بسته‌اند. ﴿کفروا... یخرجون الرسول و ایاکم﴾
- ۱۰- دشمنی کفّار با شما به خاطر ایمان شما به خداست. ﴿أن تؤمنوا باللّٰه ربّکم﴾
- ۱۱- برقراری رابطه با کفّار در صورتی جایز است که آنها به ارزشهای شما احترام بگذارند و در صدد توطئه نباشند. ﴿لاتتخذوا... قد کفروا... یخرجون الرسول﴾
- ۱۲- اسلام خواهان عزّت مسلمانان است. (اظهار مودّت به گروهی که به مکتب شما کافرند و بر ضدّ شما توطئه می‌کنند، ذلّت است). ﴿تلقون الیهم بالمودّة و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ﴾
- ۱۳- یک دل، دو دوستی بر نمی‌دارد. ﴿ان کنتم جهاداً فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی تسرون الیهم بالمودّة﴾
- ۱۴- جهاد باید خالصانه و برای خدا باشد. ﴿جهاداً فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی﴾
- ۱۵- خداوند از ارتباطات مخفیانه با کفّار آگاه است. ﴿أنا أعلم بما أخفیتم﴾
- ۱۶- توجّه به علم خداوند، سبب کاهش گناهان است. ﴿أنا أعلم بما أخفیتم﴾
- ۱۷- در تربیت، هم امر و هم نهی، ﴿لاتتخذوا﴾ هم استدلال، ﴿عدوی و عدوکم﴾ هم انگیزه. ﴿یخرجون الرسول و ایاکم﴾ و هم تهدید. ﴿و أنا أعلم بما أخفیتم﴾
- ۱۸- چه بسیارند مؤمنانی که بد عاقبت می‌شوند. ﴿الذین آمنوا... ضلّ سوا السبیل﴾

- ۱۹- چه بسیاریند افرادی که در آغاز رزمنده بودند، ولی در اثر رابطه با دشمنان، بد عاقبت شدند. ﴿خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي... ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾
- ۲۰- فکر تأمین منافع از طریق روابط سرّی با دشمنان دین، بیراهه رفتن و حرکتی بی فرجام است. ﴿وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾

﴿۲﴾ **إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يُكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُورُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْنِنَتَهُمْ
بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ**

اگر بر شما مسلط شوند، دشمنان (سرسخت) شما خواهند بود و دست و زبانشان را به بدی، به سوی شما خواهند گشود و دوست دارند که شما (از دین خود دست برداشته و) کفر ورزید.

نکته‌ها:

- «تقف» به معنای پیدا کردن و روبرو شدن است.
- حضرت علی رضی الله عنه در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «ولكن احذر كلّ الحذر من عدوّك بعد صلحه فانّ العدوّ ربّما قارب لیتغفّل» حتی بعد از صلح، از خدعه دشمن برحذر باش؛ زیرا دشمن گاهی به شما نزدیک می‌شود تا شما را غافلگیر کند.
- و در غررالحکم از آن حضرت می‌خوانیم: «لا تأمن عدوّاً و ان شکر» از دشمن، حتی اگر زبان به ستایش گشود، مطمئن و در امان مباش. دشمن مانند آب است که گرچه با حرارت گرم می‌شود، ولی سرانجام سرد می‌شود. «... فانّه كالماء و ان اطيل سخانه بالنّار لم يمتنع من اطفائه»^(۱)

□ دلیل قطع رابطه با کفار پنج چیز است:

- الف) مکتب شما را قبول ندارند. ﴿كُفِرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾
- ب) رهبر و امت را تحمل نمی‌کنند. ﴿يَخْرُجُونَ الرِّسُولَ وَأَيَّكُمْ﴾

۱. غررالحکم.

- ج) اگر سلطه یابند، دشمنی خود را اعمال می‌کنند. ﴿ان یتفقوکم...﴾
 د) با دست و زبان، آزارتان می‌دهند. ﴿ییسطوا الیکم ایدیهم و ألسنتهم﴾
 ه) می‌خواهند که شما از دین برگشته و مرتد شوید. ﴿وَدَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾

پیام‌ها:

- ۱- دشمنان به دنبال سلطه همه جانبه بر شما هستند. ﴿یتفقوکم﴾
- ۲- خاموشی دشمن، نشانه‌ی دوستی او نیست بلکه فرصت ضربه زدن نیافته است. ﴿ان یتفقوکم یكونوا لکم اعداء﴾
- ۳- دشمن هم تهاجم نظامی دارد، ﴿ییسطوا الیکم ایدیهم﴾ هم تهاجم فرهنگی. ﴿و ألسنتهم﴾
- ۴- ریشه‌ی دست و زبان درازی‌های دشمن، خواسته‌های قلبی و درونی اوست. ﴿ییسطوا الیکم ایدیهم و ألسنتکم... و دَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾
- ۵- دشمنان، در دشمنی با شما وحدت دارند. ﴿یکونوا... ییسطوا... و دَّوْا﴾
- ۶- هدف دشمن از ضربه‌های نظامی و فرهنگی، دست برداشتن شما از مکتب است. ﴿و دَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾
- ۷- تا کفر نورزید، دشمن از شما راضی نمی‌شود. ﴿و دَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾ (در آیه ۲۱۷ سوره بقره نیز می‌خوانیم: ﴿لَا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا﴾)

﴿ ۳ ﴾ لَنْ تَنْفَعَكُمُ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَآلَهُ

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

در روز قیامت، خویشان کافر و فرزندان کافر شما، هیچ کدام سودی برایتان نخواهند داشت. (در آن روز خداوند) میان شما و آنان جدایی خواهد افکند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

نکته‌ها:

□ از آنجا که یکی از عوامل برقراری رابطه با دشمنان، حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی است، قرآن می‌فرماید: خانواده و خویشاوند کافر، در قیامت به کار شما نمی‌آید، پس به خاطر آنها خود را به گناه نیندازید.

□ ناکارآمدی بستگان و بریده شدن اسباب در قیامت، بارها در قرآن مطرح شده است:
 ﴿فَلَا انساب بينهم﴾^(۱) در آن روز نسبتی میان مردم در کار نیست.
 ﴿تَقَطَّعت بهم الاسباب﴾^(۲) در آن روز سبب‌ها قطع می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- عواطف خویشاوندی، گاهی زمینه تمایل به دشمنان است. ﴿تسرّون الیهم بالمودة... لن تنفعکم ارحامکم﴾
- ۲- چه انگیزه‌ای برای ایجاد رابطه دوستانه با کفار دارید؟
 قلباً که مایلند شما هم کافر شوید. ﴿ودّوا لو تکفرون﴾
 دست و زبان‌شان که بر ضدّ شماست. ﴿یسطوا الیکم ایدیهم و السننهم﴾
 در قیامت هم که سودی برای شما ندارند. ﴿لن تنفعکم﴾
- ۳- از ناکارآمدی تکیه‌گاه‌ها و تنهایی خود در قیامت یاد کنید تا از کفار قطع امید کنید، گرچه از بستگان شما باشند. ﴿لن تنفعکم... یوم القیامة﴾
- ۴- در روز قیامت، خدا بستگان منحرف را از مؤمنان جدا می‌کند، پس برای چند روز دنیا، خود را به آنان وابسته نکنیم ﴿أولیاء... یفصل بینکم﴾
- ۵- ایمان به علم و نظارت خداوند، عامل بازدارنده از گناه است. ﴿والله بما تعملون بصیر﴾

۱. مؤمنون، ۱۰۱.

۲. بقره، ۱۶۶.

﴿ ۴ ﴾ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق و الگوی خوبی است، زیرا به قوم (مشرک) خود گفتند: همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید، بیزاریم. ما به (آیین) شما کفر ورزیدیم و میان ما و شما کینه و دشمنی ابدی است، مگر آنکه به خدای یگانه ایمان بیاورید. جز سخن ابراهیم به پدرش که قطعاً برای تو استغفار خواهم کرد و من برای تو (جز دعا و درخواست) مالک چیزی نیستم. پروردگارا بر تو توکل کردیم و به سوی تو انا به نمودیم و بازگشت ما به سوی تو است.

نکته‌ها:

- «اسوة» از «تأسی» به معنای پیروی کردن الگو و سرمشق قرار دادن است.
- با توجه به آیات قبل که بعضی از مسلمانان به خاطر دریافت حفظ بستگان خود، مخفیانه یا آشکارا با کفار دوستی و مودت داشتند، این آیه می‌فرماید: براءت از کفار و مشرکان را از حضرت ابراهیم و یارانش بیاموزید.
- هنگامی که حضرت ابراهیم، پایداری پدر را به کفر و شرک دید و از هدایت او مأیوس شد، از او براءت جست و استغفار برای او، وعده‌ای بود که به پدر داد تا زمینه بازگشت او را فراهم سازد. چنانکه در سوره توبه آیه ۱۱۴ می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾
- در قرآن دو مرد و دو زن، به عنوان الگوی مؤمنان معرفی شده‌اند: از مردان، یکی حضرت ابراهیم عليه السلام، ﴿قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم﴾ و دیگری

پیامبر اسلام ﷺ است. ﴿لکم فی رسول اللہ أسوة حسنة﴾^(۱) و از زنان، یکی همسر فرعون و دیگری حضرت مریم است (گرچه بیروان حضرت ابراهیم نیز الگو معرفی شده‌اند) ﴿قد کانت لکم اسوة فی ابراهیم و الذین معه﴾ که قرآن در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم، آنان را در برابر همسران حضرت نوح و لوط، به عنوان زنان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿ضرب اللہ مثلاً للذین آمنوا امرئة فرعون... و مریم ابنت عمران﴾ البته در روایات افراد دیگری همچون امام حسین علیه السلام ﴿فلکم فی اسوة﴾^(۲) و حضرت زهرا علیها السلام نیز به عنوان الگو معرفی شده‌اند. چنانکه حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: «و فی ابنة رسول اللہ لی اسوة حسنة»^(۳) دختر رسول خدا، الگوی نیکوی من است.

□ ویژگی‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن:

۱. موفقیت کامل در امتحان‌های سخت الهی. ﴿فاتمهن﴾^(۴)
۲. خدمت به مسجد. ﴿طهراً بیتی﴾^(۵)
۳. تسلیم خدا بودن. ﴿حنیفاً مسلماً﴾^(۶)
۴. انابه به درگاه خدا و صبور و حلیم بودن. ﴿انّ ابراهیم لا واه حلیم﴾^(۷)
۵. به منزله یک امت بود. ﴿انّ ابراهیم کان امة﴾^(۸)
۶. وفادار بود. ﴿ابراهیم الذی وقی﴾^(۹)
۷. دلیر و قهرمان بود. ﴿تالله لا کیدن اصنامکم﴾^(۱۰) به خدا سوگند! برای بت‌های شما نقشه می‌کشم.
۸. هجرت و مهاجرت. ﴿اتی مهاجر الی ربی﴾^(۱۱)
۹. گذشت و ایثار داشتن. ﴿فلما أسلما و تله للجبین﴾^(۱۲)

-
- | | | |
|-----------------------|-------------------------|-----------------|
| ۱. احزاب، ۲۱. | ۲. مقتل ابی مخنف، ص ۸۶. | |
| ۳. بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۰. | ۴. بقره، ۱۲۴. | ۵. بقره، ۱۲۵. |
| ۶. آل عمران، ۶۷. | ۷. توبه، ۱۱۴. | ۸. نحل، ۱۲۰. |
| ۹. نجم، ۳۷. | ۱۰. انبیاء، ۵۷. | ۱۱. عنکبوت، ۲۶. |
| ۱۲. صافات، ۱۰۳. | | |

پیام‌ها:

- ۱- در تربیت و تبلیغ، ارائه نمونه‌ی عینی و عملی و الگو لازم است. ﴿قد كانت لكم أسوة حسنة﴾
- ۲- هم انبیا الگو هستند و هم پیروان و تربیت شدگان آن بزرگواران. ﴿أسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه﴾
- ۳- گذشت زمان، نقش الگوهای دینی و معنوی را کم رنگ نمی‌کند. حضرت ابراهیم می‌تواند برای امروز ما الگو باشد. ﴿كانت لكم أسوة حسنة فی ابراهیم﴾
- ۴- بستگانِ منحرفِ الگوها، دلیلی بر ترک آنها نیست. (در قرآن، کلمه ﴿أسوة﴾ برای پیامبر اسلام و حضرت ابراهیم به کار رفته است در حالی که عموی هر دو نفر، ناخلف بوده‌اند).
- ۵- بعضی الگوها نیکو و بعضی زشت هستند. ﴿أسوة حسنة﴾
- ۶- همگامی، همراهی و هماهنگی فکری و عملی با رهبران الهی لازم است. ﴿و الذین معه﴾
- ۷- صلابت و صراحت در اظهار برائت از مشرکان، یک ارزش است. ﴿اذ قالوا لقومهم انا برءاؤا منکم﴾
- ۸- پرونده‌های قومی و روابط اجتماعی نباید مانع اظهار حق شود. ﴿قالوا لقومهم...﴾
- ۹- محور برائت، شرک و اسباب شرک و دوری از خداست. ﴿برءاؤا منکم و ممّا تعبدون من دون الله﴾
- ۱۰- برائت باید مکتبی و هدفدار باشد نه انتقامی. ﴿بدا بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا﴾
- ۱۱- برائت تنها با لفظ نیست، ﴿انا برءاؤا﴾ بلکه دارای مرحله لفظی، ﴿کفرنا﴾ مرحله قلبی و مرحله عملی است، ﴿بدا بیننا و بینکم العداوة و البغضاء﴾
- ۱۲- ایمان، باید از هرگونه شرک، خالص باشد. ﴿تؤمنوا بالله وحده﴾

۱۳- جبهه‌گیری و قاطعیّت در برابر کفر و شرک، به توکل، نیایش و توجّه به معاد نیاز دارد. «إِنَّا بَرَاءُ أَوْلِيَاءِ... عَلِيكَ تَوَكَّلْنَا»

۱۴- معنای توکل گوشه‌گیری و انفعال نیست، بلکه در کنار اعلام برائت صریح و موضع‌گیری شدید نسبت به مشرکان، توکل معنا دارد. «إِنَّا بَرَاءُ أَوْلِيَاءِ... كَفَرْنَا... تَوَكَّلْنَا»

۱۵- توکل داروی رفع نگرانی‌هاست. چون اعلام برائت آن هم با قاطعیّت و صراحت ممکن است آثار سوئی را در پی داشته باشد، توکل لازم است. «إِنَّا بَرَاءُ أَوْلِيَاءِ مِنْكُمْ... عَلِيكَ تَوَكَّلْنَا»

۱۶- هر کجا سخنی می‌گویید و تصمیمی از خود نشان می‌دهید، نفس خود را با یاد خدا مهار کنید. «إِنَّا بَرَاءُ أَوْلِيَاءِ... كَفَرْنَا بِكُمْ، بَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ... رَبَّنَا عَلِيكَ تَوَكَّلْنَا، وَ الْيَكِ اِنْبِنَا، وَ الْيَكِ الْمَصِيرُ»

۱۷- توکل و انابه باید تنها به درگاه خدا باشد. «عَلِيكَ تَوَكَّلْنَا وَ الْيَكِ اِنْبِنَا» (کلمه «عَلِيكَ» و «الِيك» مقدّم بر «تَوَكَّلْنَا» و «اِنْبِنَا» نشانه انحصار است).

۱۸- اولیای خدا، خود را مالک چیزی نمی‌دانند و به خود اجازه نمی‌دهند قانون الهی را عوض کنند. «لَا سَتَغْفِرُنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلَكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ»

۱۹- مسیر تمام هستی و مسیر ما به سوی اوست. «الِيك اِنْبِنَا وَ الْيَكِ الْمَصِيرُ»

﴿۵﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اَعْفُؤْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ

پروردگارا! ما را محنت کش کافران قرار مده و ما را بیامرز، پروردگارا! تو

خود عزیز و حکیمی.

نکته‌ها:

□ «فتنة» در لغت به معنای آشوب، امتحان، عذاب، بلا و آزار آمده است.

آزار مسلمانان، آزمایشی برای کفار است تا خباثت و عناد خود را اظهار کنند، به سلطه خود

مغرور شوند و قدرت خود را نشانه حقانیت خود بدانند.

□ در آیات قبل سخن از برائت و قاطعیت و پرهیز از دوستی با کفار بود، این آیه در قالب دعا مطالب آیات قبل را تأکید می‌کند که پروردگارا ما ابزار دست مخالفان نشویم.

پیام‌ها:

۱- از آداب دعا، خطاب «یا ربّ» است. معمولاً دعا‌های قرآن با کلمه «ربّنا» آغاز می‌شود.

۲- مسلمانان در تمام موارد حتی در قراردادهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی نباید به شیوه‌ای عمل کنند که مورد سوء استفاده کفار قرار گیرند و راه فشار و سلطه کفار را به روی خود بگشایند. «لا تجعلنا فتنه للذین کفروا»

۳- دین و سیاست در کنار هم هستند، برائت از کفار، در کنار طلب مغفرت از خدا. یک دعا رنگ سیاسی دارد و دعای دیگر رنگ معنوی. «ربّنا لا تجعلنا... و اغفر لنا»

۴- به درگاه کسی رو کنیم که هم توانمند است و هم حکیم. «ربّنا... انک أنت العزیز الحکیم»

۵- ابزار دست کفار قرار نگرفتن، رمز عزت است. «لا تجعلنا فتنه... أنت العزیز»

۶- رفتار بسیاری از قدرتمندان حکیمانه نیست، ولی خداوند هم قدرتمند شکست‌ناپذیر است و هم حکیم. «أنت العزیز الحکیم»

﴿ ۶ ﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

همانا برای شما در (روش) آنان، (ابراهیم و یارانش) سرمشق خوبی است، برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و هر کس روی برتابد، خداوند بی نیاز و ستوده است.

نکته‌ها:

□ در این آیه و در آیه ۲۱ سوره احزاب که سخن از الگو بودن حضرت ابراهیم و حضرت محمد ﷺ است، داشتن امید به خدا و روز قیامت، شرط الگو پذیری معرفی شده است. ﴿لَمَنْ كَانَ يَرْجُوا...﴾

□ بعد از سه بار تکرار کلمه‌ی ﴿رَبَّنَا﴾ در آیات ۴ و ۵، باز هم می‌فرماید: آنان اسوه هستند، یعنی نه تنها در برائت، بلکه در دعا و مناجات هم اسوه هستند.

پیام‌ها:

- ۱- الگوهای الهی تاریخ مصرف ندارند. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾
- ۲- نه فقط پیامبران، بلکه یاران صادق آنها نیز برای ما الگو هستند. ﴿فِيهِمْ﴾
- ۳- عقاید صحیح، زیر بنای الگوپذیری در رفتار و اخلاق است. ﴿أُسْوَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾ (آری کسانی از الگوهای صحیح بهره‌مند می‌شوند که نور امید در دلشان روشن باشد. ﴿يَرْجُوا﴾ و کسانی پشت می‌کنند که افراد مایوس و به اصطلاح بریده هستند. ﴿يَتَوَلَّوْا﴾)
- ۴- ایمانی ارزش دارد که ثابت باشد. ﴿كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ...﴾ (ترکیب «کان» با فعل مضارع، نشان استمرار و ثبات است).
- ۵- اعراض مردم از الگوهای الهی، به خداوند و اولیایش ضربه‌ای نمی‌زند. ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

﴿۷﴾ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ

قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

امید است که خدا میان شما و کسانی که با آنان دشمنی داشتید، (به واسطه‌ی اسلام آوردن آنان در فتح مکه) دوستی برقرار کند و خداوند توانا است و خداوند بخشنده مهربان است.

نکته‌ها:

□ این آیه به مسلمانان که به خاطر قطع رابطه با خویشاوندان کافر احساس کمبود و خلاء عاطفی می‌کردند، پیام می‌دهد که در آینده جبران خواهد شد و بسیاری از آنان به اسلام گرایش پیدا می‌کنند.

□ با توجه به این که عداوت قبلی بر اساس برائت از کفر بوده است، پس تبدیل آن به مودت باید از طریق ایمان آوردن کفار باشد، نه آن که تکلیف برائت ساقط شود.

پیام‌ها:

- ۱- از هدایت کفار مایوس نشوید. ﴿عسی الله﴾
- ۲- عداوت، اصل نیست، بلکه یک ضرورت عارضی است و باید شرایط را عادی کنیم. ﴿ان يجعل بینکم... مودة﴾
- ۳- دگرگونی دلها و ایجاد مودت‌ها به دست خداست. ﴿عسی الله ان يجعل... مودة﴾
- ۴- شما از دوستی و مودت مخفیانه با کفار دست بردارید، خداوند مودت واقعی را جایگزین می‌کند. ﴿تلقون الیهم بالمودة... يجعل بینکم... مودة﴾
- ۵- از تبدیل عداوت به مودت تعجب نکنید که خداوند بر هر کاری قادر است. ﴿والله قدیر﴾
- ۶- بد رفتاری‌های گذشته کفار نسبت به مسلمانان قابل عفو و اغماض است. ﴿والله غفور رحیم﴾
- ۷- بخشش خداوند برخاسته از رحمت اوست. ﴿والله غفور رحیم﴾

﴿ ۸ ﴾ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

دیارکم آن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

خداوند شما را از نیکی و عدل نسبت به کسانی که با شما به خاطر دین جنگ نکرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون ننموده‌اند منع نمی‌کند. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

نکته‌ها:

□ کافران دو دسته‌اند، گروهی در صدد دشمنی و توطئه علیه مسلمانانند که در آیات قبل فرمود: چرا شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، از آنان برائت بجوئید که خدا برای شما کافی است. اما یک دسته از کفار، علیه شما اقدامی نکرده و در صدد توطئه علیه شما نیستند، این آیه می‌فرماید: با آنان به نیکی رفتار کنید و برقراری رابطه با آنان معنی ندارد.

□ سیاست خارجی اسلام بر اساس جذب و جلب دیگران است و این امر از طرق زیر قابل دستیابی است:

۱. نیکی. ﴿تبرؤهم﴾ با آنان نیکی کنید.
 ۲. عدالت. ﴿تقسطوا الیهم﴾ نسبت به آنان قسط و عدالت داشته باشند.
 ۳. مهلت تحقیق. ﴿و ان احد من المشرکین استجارک فاجره حتی یسمع کلام الله﴾^(۱) اگر یکی از آنان مهلت خواست، به او مهلت بدهید تا کلام خدا را بشنود.
 ۴. قبول پیشنهاد صلح. ﴿و ان جنحوا للسلام فاجنح لهما﴾^(۲) اگر برای زندگی مسالمت‌آمیز آغوش باز کردند، پیشنهاد صلح آنان را بپذیر.
 ۵. کمک مالی. ﴿والمؤلفه قلوبهم﴾^(۳) سهمی از زکات برای ایجاد الفت با آنان مصرف شود.
 ۶. ردّ امانات آنان، وفا به عهد با آنان، محترم شمردن پیمان‌های آنان و نیکی به والدین آنان.
- بر اساس این آیه، کفار غیر حربی که بنای جنگ با مسلمانان را ندارند و در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، از حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند.

پیام‌ها:

- ۱- حساب کفار بی‌آزار از کفار آزارسان جداست. ﴿لم یقاتلکم... لم یخرجکم﴾
- ۲- اسلام دین نیکی و عدالت است، حتی نسبت به کفار. ﴿ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم﴾
- ۳- با اعلام محبت الهی، انگیزه‌ها را بالا ببرید. ﴿ان الله یحبّ المقسطین﴾

۱. توبه، ۶.

۲. انفال، ۶۱.

۳. توبه، ۶۰.

﴿ ۹ ﴾ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

جز این نیست که خداوند شما را از دوستی و رزیدن با کسانی نهی می‌کند که به خاطر دین با شما جنگیده و شما را از سرزمین خود بیرون رانده‌اند و یا در اخراج شما همدستی کرده‌اند و هر کس با آنان دوستی ورزد، پس اینان همان ستمکارانند.

نکته‌ها:

□ امروز که تفسیر این آیه را می‌نویسم، اسرائیل به مناطق مسلمان‌نشین از زمین و آسمان هجوم کرده، آنان را از وطن خود اخراج می‌کند و جمعی را به شهادت می‌رساند. طبق فرمان این آیه بر تمام مسلمانان واجب است که با رژیم صهیونیستی قطع رابطه کنند و آنان را دوست نگیرند. این آیه نیز از آیات سیاسی قرآن است.

□ با این که مفهوم این آیه در محتوای آیه قبل بود لیکن برای شفاف بودن روابط، خداوند جداگانه مسئله را طرح کرد.

پیام‌ها:

- ۱- ظلم، حرام است خواه مستقلاً باشد و خواه با حمایت و مشارکت. (آری حامیان کفار حربی، شریک جرم آنها هستند). ﴿اخرجوكم... ظاهروا علی اخرجکم﴾
- ۲- حتی اگر مظلوم شدید، دوستی با کفار را قطع کنید نه آن که دست از نیکی بردارید. (نهی از دوستی است نه چیز دیگر). ﴿ینهاکم... ان تولوهم﴾
- ۳- تجاوز به سرزمین دیگران و بیرون راندن افراد از وطن خود، ممنوع است و می‌توان با این زورگویان، به عنوان جهاد اسلامی مبارزه کرد. ﴿انما ینهاکم عن الدین... اخرجوكم من دياركم﴾
- ۴- به اسم نوع دوستی و انسان دوستی، مسالمت با کفار حربی ممنوع است. ﴿و

من يتولهم فاولئك هم الظالمون ﴿

﴿ ۱۰ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مَهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ
 اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى
 الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا
 جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا
 بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسْئَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ
 حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه زنان مؤمن (از شوهر کافر جدا شده) هجرت
 کنان نزد شما آمدند، آنان را (از نظر ایمان) آزمایش کنید و خداوند به ایمان آنان
 آگاه‌تر است. پس اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید، به سوی کفار باز نگردانید، نه
 اینان برای آنان حلالند و نه آنان برای اینان حلال و آنچه را که شوهران کافر
 (برای این زنان) پرداخت کرده‌اند (از قبیل مهریه) به آنان بپردازید و بر شما
 گناهی نیست که با اینان ازدواج کنید، به شرط آن که مهریه آنان را بپردازید و
 همسران کافره را به همسری نگاه ندارید و آنچه از برای آنان پرداخت کرده‌اید از
 کفار بگیرید همان‌گونه (اگر زن، مسلمان شده و به شما ملحق می‌شد)، هزینه‌هایی
 را که شوهران کافر پرداخت کرده بودند باید از شما درخواست نمایند. این حکم
 الهی است که خداوند میان شما مقزّر داشته و خداوند آگاه حکیم است.

نکته‌ها:

- یکی از بندهای قرارداد صلح خدیبیه این بود که اگر مشرکی از مکه به مسلمانان مدینه
 پیوست، مسلمانان او را به مشرکان باز گردانند. این آیه می‌فرماید: مسئله باز گرداندن شامل
 زنان مهاجری که به مسلمانان پناهنده شده‌اند نمی‌شود.
- این آیه از آیات حقوقی و اجتماعی قرآن است.

- مهریه زن کافری که مسلمان شده، به جامعه اسلامی ببینند، به شوهر کافرش داده می‌شود، «آتوهم ما انفقوا» و این مهریه را باید از بیت المال پرداخت.^(۱)
- کلمه «عصم» جمع «عصمت» به معنای وسیله نگاهداری است.
- در این آیه، سیمای عدالت‌پرور مکتب اسلام جلوه می‌کند:
- اولاً زن هجرت کرده را تنها به حال خود رها نمی‌کند،
- ثانیاً حق شوهر کافری که زن خود را از دست داده است، نادیده نمی‌گیرد و مهریه‌ای را که پرداخت کرده به او باز می‌گرداند،
- ثالثاً نیاز غریزی و عاطفی زن را با فرمان «تنحکوهن» و نیاز مالی او را با فرمان «اجورهن» تأمین می‌کند.
- هجرت ممکن است به خاطر فرار از شوهر یا علاقه به زندگی جدید یا جاسوسی یا رسیدن به مال و فامیل باشد، لذا باید با آزمایش انگیزه‌ها روشن شود.
- کفار چند دسته هستند:^(۲)
- یا همگی بر کفر اصرار دارند که آیه اول مبنی بر برائت و متارکه مسلمانان، به آنان نظر داشت. «لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء... قد کفروا بما جاءکم من الحق»
- یا به طور دسته جمعی دشمنی با شما را ترک می‌کنند. «عسی اللّٰه ان یجعل بینکم و بین الذّٰین عادیتم منهم مودّة» (آیه ۷ همین سوره)
- یا تفکیک صورت می‌گیرد، مثلاً زن مسلمان می‌شود، ولی مرد، کافر باقی می‌ماند و یا بالعکس که در این صورت، مسلمان به شما ملحق می‌شود. «جاءکم المؤمنات مهاجرات»
- در بیان مهریه اول کلمه «نفقہ» به کار رفته، «انفقوا... انفقتم» ولی در مورد مهریه ازدواج دوم، کلمه «اجورهن» به کار رفته است. با توجه به پنج موردی که کلمه «اجورهن» در قرآن آمده است، به نظر می‌رسد کلمه «اجر» برای زنان بیوه و ازدواج دوم آنها است.
- وقتی ایمان آوردن یکی از دو همسر، عقد قبلی را بهم می‌زند، پس به طریق اولی، اگر قبل

۱. تفاسیر المیزان، نمونه، فرقان.

۲. تفاسیر کبیر فخررازی و مراغی.

از عقد، زن کافر باشد عقدی محقق نمی‌شود.
 امام باقر علیه السلام فرمود: «لاینبغی نکاح اهل الکتاب» ازدواج با زنان اهل کتاب (یهود و نصارا) سزاوار نیست. آنگاه امام علیه السلام این قسمت از آیه را تلاوت فرمود: ^(۱) ﴿و لا تمسکوا بعصم الکوافر﴾

پیام‌ها:

- ۱- زنان در انتخاب دین و انجام وظایف دینی تابع شوهر نیستند و حتی می‌توانند برای حفظ دین خود هجرت نمایند. ﴿جاءکم المؤمنات مهاجرات﴾
- ۲- مدعیان بازگشت از کفر به ایمان، باید مورد آزمایش و امتحان قرار بگیرند. ﴿جاءکم المؤمنات... فامتحنوهن﴾
- ۳- هر کجا که خطر جاسوسی و امثال آن هست، گزینش و آزمایش لازم است. ﴿فامتحنوهن﴾
- ۴- با دید مثبت به مردم نگاه کنید. ﴿جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن﴾ (با این که هنوز امتحان نشده‌اند، اما آیه لقب مؤمن به آنان داده است).
- ۵- علم خداوند به امور، از ما سلب مسئولیت نمی‌کند. ﴿فامتحنوهن الله اعلم بایمانهن﴾
- ۶- در برخورد با افراد، ما مأمور به ملاک‌های ظاهری هستیم، نه وسواس و سوء ظن. ﴿فامتحنوهن الله اعلم بایمانهن﴾
- ۷- نقش ایمان در مسایل خانوادگی و زناشویی بسیار مهم است. اگر زن کافری مؤمن شد، او را به شوهر کافرش برنگردانید زیرا همسر کافر محیط خانواده را ناسالم می‌کند. ﴿فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن﴾
- ۸- سلطه و حکومت کافر بر مسلمان از هر جهت ممنوع است، خواه سیاسی و اجتماعی باشد که قرآن می‌فرماید: ﴿لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين

۱. تفسیر نورالثقلین.

- سبیلاً^(۱) و خواه خانوادگی باشد که این آیه می‌فرماید: زن مسلمان نباید تحت امر شوهر کافر باشد. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾
- ۹- جامعه و محیط در فرد مؤثر است. ممکن است محیط کفر، زن مسلمان را در خود هضم کند، پس او را به کفار برنگردانید. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾
- ۱۰- کفر یکی از طرفین ازدواج، منجر به طلاق قهری می‌شود. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾
- ۱۱- به علاقه شخصی مرد به همسر قانع نشوید، ممکن است شوهر، زن را دوست داشته باشد ولی جامعه فاسد بر روح زن فشار وارد کند. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾ (و نفرمود: «الی زوجه»)
- ۱۲- ایمان، زیر بنای ازدواج است و کفر، کفو و همتای مؤمن نیست. ﴿لَا هُنَّ حُلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ﴾
- ۱۳- جدایی زناشویی دلیل نادیده گرفتن حقوق مالی نیست، حتی اگر کافر هزینه‌ای را پرداخته باید از طرف مسلمانان به او پرداخت شود. ﴿لَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا انْفَقُوا﴾
- ۱۴- هر ازدواجی، مهریه جداگانه دارد. (مهریه قبلی که شوهر کافر داده است بپردازید و برای ازدواج دوم که خودتان اقدام می‌کنید باید مهریه جداگانه بدهید). ﴿آتُوهُم مَّا انْفَقُوا... اَتَيْتُمُوهُنَّ اَجْرَهُنَّ﴾
- ۱۵- حق مالکیت و حقوق مالی کفار غیر حربی محفوظ است. ﴿آتُوهُم مَّا انْفَقُوا﴾
- ۱۶- اولین نیاز زن همسر شایسته است. ﴿لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ اَنْ تَنْكِحُوهُنَّ﴾
- ۱۷- سابقه کفر، مانع ازدواج با تازه مسلمان نیست. ﴿لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ اَنْ تَنْكِحُوهُنَّ﴾
- ۱۸- مهریه، حق زن است. ﴿اُجْرَهُنَّ﴾
- ۱۹- هم نیاز غریزی باید تأمین شود، ﴿تَنْكِحُوهُنَّ﴾ و هم نیاز مالی. ﴿اُجْرَهُنَّ﴾

- ۲۰- از زن بودن و تنهایی و غربت و تازه مسلمان بودن دیگران سوء استفاده نکنید. ﴿آتیتموهنّ أجورهنّ﴾
- ۲۱- کفر، کلید جدایی است و مسائلی از قبیل ازدواج و عشق به همسر و فرزند و سابقه زندگی مانع جدایی نیست. ﴿ولاتمسکوا بعصم الکوافر﴾
- ۲۲- حفظ حقوق، طرفینی است، حق شما و حق کفار نباید ناپیده گرفته شود. (اگر زن مسلمانی کافر شد و به کفار پیوست، مهریه‌ای که هزینه کرده‌اید از کفار بگیرید و اگر زن کافری به مسلمانان پیوست، مهریه‌ای که کافر پرداخت کرده به او بدهید). ﴿واستلوا ما أنفقتم ولیستلوا ما أنفقوا﴾
- ۲۳- پذیرفتن پناهنده، در اسلام پذیرفته شده است، به شرط آنکه اولاً افراد آزمایش شوند، ثانیاً مسئله مالی یا زیبایی و زشتی در پناه دادن مطرح نباشد، ثالثاً هزینه‌ای را که کفار پرداخت کرده‌اند به آنان بپردازند و کفار حق مطالبه دارند. ﴿إذا جاءکم... مهاجرات فامتحنوهنّ... آتوهن ما أنفقوا... ولیستلوا ما أنفقوا﴾
- ۲۴- دستورات الهی، عالمانه و حکیمانه است. ﴿ذلکم حکم اللّٰه یحکم بینکم واللّٰه علیم حکیم﴾

﴿ ۱۱ ﴾ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ

ذَهَبَتْ أَرْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

و اگر از همسرانی که به سوی کفار رفته‌اند، چیزی از شما فوت شد (و شما نتوانستید مال و مهریه‌ای که پرداخت کرده‌اید، از کفار دریافت کنید)، پس آنان را تعقیب کرده (و به چیزی رسیدید)، به آنان که همسرانشان رفته‌اند معادل آنچه خرج کرده‌اند، بپردازید و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید.

نکته‌ها:

- در آیه قبل، سخن از پرداخت حق شوهران کافر بود، در این آیه، سخن از گرفتن حق خود از آنان است.

پیام‌ها:

- ۱- حق باید به حق‌دار برسد، گرچه با تأخیر باشد. ﴿فاتکم شیء... فأتوا... مثل﴾
- ۲- آنچه به خاطر ایمان، از فرد مسلمان فوت می‌شود، باید توسط نظام اسلامی جبران شود. ﴿فاتکم شیء... فأتوا﴾
- ۳- تعقیب کفار برای حفظ اموال مسلمانان و جبران خسارت آنان جایز است. ﴿فاتکم... فعاقبتم﴾
- ۴- برای گرفتن حق خود قیام کنید. ﴿فاتکم... فعاقبتم﴾
- ۵- افراد آسیب‌پذیر باید مورد حمایت قرار گیرند و از بیت‌المال یا غنائم، خسارت آنها جبران شود. ﴿فاتکم شیء... فأتوا... مثل ما أنفقوا﴾
- ۶- در گرفتن حق، پرهیزکاری و کنترل خود لازم است. ﴿مثل ما أنفقوا واتقوا الله﴾
- ۷- مسایل مالی، لغزشگاه است تقوا و خداترسی لازم است. ﴿فأتوا... مثل ما أنفقوا واتقوا الله﴾
- ۸- هم خسارت دیده در ادعای خسارت تقوا داشته باشد و بیش از آنچه خسارت کرده، مطالبه نکند و هم جامعه در پرداخت آن طفره نرود. ﴿اتقوا الله﴾
- ۹- نشانه‌ی ایمان واقعی، تقواست. ﴿واتقوا الله الذی أنتم به مؤمنون﴾

﴿۱۲﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ
بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ
بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي
مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر! هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و در میان دست و پای خود، مرتکب هیچ گونه نسبت

ناروایی نشوند (و فرزندی را به دیگری به ناحق نسبت ندهند) و در هیچ کار خیری تو را نافرمانی نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خداوند آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.

نکته‌ها:

- در روز فتح مکه، هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ روی کوه صفا از مردان بیعت گرفت، زنان نیز نزد حضرت آمدند تا بیعت کنند، این آیه نازل شد و چگونگی بیعت را شرح داد.
- بیعت پیامبر با زنان، این گونه بود که حضرت دست مبارکش را در ظرف آبی قرار دادند و سپس به زنان فرمود: برای بیعت کردن دست خود را در آب فرو بردند. «ادخلن ایدیکن فی هذه الماء فهی البیعة»^(۱)
- شروطی که در این آیه نام برده شده، از اصول اعتقادی و اخلاقی است که زن و مرد، هر دو باید مراعات نمایند.

پیام‌ها:

- ۱- زن، موجودی مستقل، با اراده، انتخابگر و دارای شخصیت حقیقی و حقوقی مستقل است، تا آنجا که در صدر اسلام، زنان مستقیماً با پیامبر اسلام گفتگو و اظهار نظر می‌کردند. ﴿یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یبایعنک...﴾
- ۲- برخورد رهبر اسلامی نسبت به زن و مرد تفاوتی ندارد و در دسترس همه است. ﴿جاءک المؤمنات﴾
- ۳- دین از سیاست جدا نیست. ﴿المؤمنات یبایعنک﴾ (بیعت، امری سیاسی است).
- ۴- گرایش به کثرتِ آمار مسلمانان، شما را از ارزش‌ها غافل نکند و هر کس را نپذیرید. ﴿یبایعنک علی ان لا یشرکن...﴾
- ۵- امنیت از موضوعات مورد توجه نظام اسلامی است؛ هم امنیت مالی و اقتصادی، ﴿لا یسرقن﴾

۱. تفاسیر مجمع البیان و نورالتقلین.

- هم امنیّت خانوادگی، ﴿لایزنین﴾
 هم امنیّت جانی، ﴿لایقتلن﴾
 هم امنیّت حیثیتی و عرضی، ﴿لایأتین بهتان﴾
 و هم امنیّت سیاسی، اجتماعی. ﴿لایعصینک فی معروف﴾
- ۶- اصلاح عقاید، بر اصلاح رفتار مقدّم است. (ابتدا ﴿لایشرکن﴾، سپس موضوعات دیگر)
- ۷- ایمان به تنهایی کافی نیست، تعهد و بیعت بر عمل و اطاعت از رهبر جامعه اسلامی لازم است. ﴿المؤمنات یبایعنک علی...﴾
- ۸- سلامت زن از مفاسد، زمینه سلامت جامعه است. ﴿لایشرکن...﴾
- ۹- شرک به هیچ وجه قابل قبول نیست. (کلمه «شیئاً» در کنار ﴿لایشرکن﴾ نشان آن است که حتی ذرّه‌ای از آن قابل اغماض نیست)
- ۱۰- در نهی از منکر، با تمام مظاهر منکر مبارزه کنید، اعتقادی ﴿لایشرکن﴾، اقتصادی ﴿لایسرقن﴾، جنسی ﴿لایزنین﴾، خانوادگی ﴿لایقتلن اولادهن﴾، اجتماعی. ﴿لایأتین بهتان﴾
- ۱۱- حفظ آبروی مردم مهم است و ذرّه‌ای نباید خدشه دار شود. ﴿لایأتین بهتان﴾
- ۱۲- در نظام اسلامی، رهبری محور است و تمام مردم باید مطیع او باشند. ﴿لایعصینک﴾ (به جای «لایعصین الله»)
- ۱۳- اگر منکرات نباشد پیمودن راه معروف آسان است. (منکرات به صورت جدا جدا آمده، ولی معروف در یک جمله آمده است). ﴿لایعصینک فی معروف﴾
- ۱۴- زنان در مسایل عقیدتی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی در کنار مردان هستند و پیامبر اکرم ﷺ در پرتو وحی با آنان رفتار عادلانه داشت. ﴿فبایعهن﴾
- ۱۵- شرایط بیعت، باید شفاف و متناسب با آسیب پذیری بیعت کنندگان باشد. (مسئله سرقت، زنا، فرزند کشی، تهمت در خانواده‌های جاهلیت رواج بیشتری داشت). ﴿ببایعنک علی آن... فبایعهن﴾

- ۱۶- پیامبر اکرم ﷺ مأمور به دعا و استغفار برای کسانی است که با او بیعت نمایند. ﴿واستغفر لهنَّ﴾
- ۱۷- توسّل به اولیای خدا جایز و دعای آنان مستجاب است و گرنه خداوند فرمان دعا صادر نمی‌کند. ﴿واستغفر لهنَّ﴾
- ۱۸- گرچه اسلام آوردن، کارهای دوران کفر را می‌پوشاند و محو می‌کند ولی باز هم به دعای پیامبر نیاز است. ﴿واستغفر لهنَّ﴾
- ۱۹- سوابق بد مردم، مانع دعا به آنان نشود. ﴿استغفر لهنَّ﴾
- ۲۰- رحمت و مغفرت خداوند پشتوانه استجابت دعاهاست. ﴿واستغفر... انّ الله غفور رحیم﴾

﴿۱۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا
مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گروهی را که خداوند بر آنان غضب کرده به سرپرستی (یا دوستی و یاری) نگیرید، آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار از (بازگشت) اهل قبور مأیوسند.

نکته‌ها:

- «تولی» گاهی به معنای دوستی و گاهی به معنای قبول ولایت و سرپرستی است و هر دو معنی در این آیه نهی شده است.
- مراد از غضب شدگان در این آیه، یهود هستند و مراد از کفار، مشرکان مکه، یهودیان از ثواب آخرت مأیوسند و مشرکان منکر قیامت، از مردگان خود.^(۱)
- اولین آیه این سوره در باره‌ی برائت از دشمنان خدا و مسلمانان بود و آخرین آیه نیز در همین باره است. این تنها سوره‌ای است که آیه اوّل و آخر آن با ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آغاز

۱. تفسیر المیزان.

شده است.

▣ غضب شدگان در قرآن

در قرآن افراد و گروه‌هایی مورد غضب الهی قرار گرفته‌اند، از جمله:
 درباره یهود می‌فرماید: ﴿و باؤا بغضب﴾^(۱) آنان به قهر و غضب الهی گرفتار شدند.
 درباره قاتلان و منافقان می‌فرماید: ﴿غضب الله عليهم﴾^(۲) خداوند بر آنان غضب کرد.
 درباره عالمان بی‌عمل می‌فرماید: ﴿کبر مقتاً عند الله﴾^(۳) نزد خداوند غضب بزرگی برای کسانی است که به گفته‌ها و وعده‌های خود عمل نمی‌کنند.
 افرادی نظیر قارون، فرعون، ابولهب و بلعم باعورا نیز در قرآن مورد غضب قرار گرفته‌اند.
 ▣ یأس از آخرت، یعنی یأس از قدرت، حکمت و عدالت خدا. کسی که آخرت را قبول ندارد، به بن‌بست می‌رسد. او دلیلی برای بودن و ماندن ندارد. زیرا پیش خود می‌گوید: اگر بعد از مدّت‌ها رنج و تلاش باید با مُردن نابود شویم، از همین امروز خود را نابود کنیم، بهتر است. اگر همه به سوی نابودی می‌رویم، تعلیم و تربیت و خدمت معنا ندارد. اگر این ساختمان قرار است منفجر شود، ساخت و حفاظت و تعمیر و تزئین آن معنا ندارد.
 اگر فدا و فنا می‌شویم، چرا از کامیابی‌ها و هوس‌ها صرف نظر کنیم؟
 ما که مورد سؤال قرار نمی‌گیریم، پس تا زنده‌ایم مردم را فدای هوس‌های خودمان کنیم.

پیام‌ها:

- ۱- دوست خدا، با کسانی که مورد غضب او هستند، رابطه دوستی ندارد. ﴿یا ایها الذین آمنوا لاتتولّوا﴾
- ۲- گرچه اهل کتاب به قیامت اعتقاد دارند، اما چون به ثواب آخرت امیدی ندارند، مغضوب خدا هستند، وضعیّت آنها در قیامت، با کافران منکر معاد تفاوتی ندارد. ﴿یئسوا من الآخرة كما یئس الکفار﴾
 «والحمد لله ربّ العالمین»

۱. آل عمران، ۱۱۲.

۲. فتح، ۶.

۳. غافر، ۳۵.